

رجزخوانی‌های بی پایان ×

حمله‌های نیمه‌ی شهریور سرمستی زیادی برای صدام آورده بود و در ادامه‌ی صحبت‌هایش گفت: «بعد از این که نیروهای ما زمین را پس گرفتند، به آن‌ها خواهیم گفت؛ خواهیم گفت که نیروهای ما در این تاریخ و در این زمان این زمین را از شما پس گرفتند، اکنون باقیمانده‌ی زمین را به ما بدهید وگرنه به زور آن را می‌گیریم. اگر آن را به ما ندادند، آن را پس خواهیم گرفت. هزینه‌ی نظامی این کار بیشتر خواهد بود. در سیف سعد و پست‌های دیگر می‌شد تلفات بیشتری به آن‌ها وارد کرد و می‌شد ما تلفات کمتری بدهیم. اما در عوض برای این که قصد ما را بفهمند و بفهمند چرا این‌طور عمل کردیم و چرا این همه نیرو بسیج کردیم، خواستیم که این‌گونه عمل کنیم... این کار برای برگرداندن شط‌العرب است، پس اگر آن‌طور که ما می‌خواهیم عمل نکردند، همان‌گونه که زین‌القوس و سیف سعد را زدیم، به آن‌ها و به هر پست دیگری [نامفهوم] که ضربه بزنند ضربه می‌زنیم.»

یکی از اعضای جلسه می‌گوید: «این فرصت برای ماست. یک فرصت تاریخی است. این فقط به معنای برگرداندن شط‌العرب نیست و ما [نامفهوم] را می‌بینیم، بلکه حتی معنایی فراتر از این هم دارد. این یعنی عراق از یک مرحله به مرحله‌ی دیگر رفته است. به نظر من در جهان عرب و در سطح بین‌المللی تأثیر مثبتی خواهیم داشت؛ به‌ویژه در جهان عرب و برای مردم عرب و رژیم‌های عرب، چیزی شبیه به آن وجود ندارد... اگر این روند کامل شود، عراق را به موقعیتی بزرگ و فوق‌العاده موثر سوق خواهد داد. عراق از این طریق، می‌تواند در آینده برای تحقق اهداف خود گام‌های بزرگی بردارد، خواه در داخل کشور باشد یا در حوزه‌ی ملی [یعنی پان‌عربی]. به‌علاوه، ایجاد یک

④ صدام در کنفرانس طائف در عربستان. آنتونی کوردمن می‌نویسد که سران عربستان مدتی پس از جنگ اعلام کردند که صدام در سفر به عربستان در مردادماه ۵۹ قصدش از حمله به ایران را آشکارا اعلام کرده است.



⑤ فرخ‌آباد ایلام، شهریور ۱۳۵۹. مردم مناطق مرزی پس از هجوم اولیه‌ی عراق آماده‌ی نبرد با یعنی‌ها شدند. این مقاومت‌های تأثیرگذار کاملاً از سوی صدام نادیده گرفته شده بود.

ارتش انقلابی و ایدئولوژیک مزایایی دارد... شرایط بین‌المللی و شرایط عربی در بهترین وضعی که تا به حال بوده قرار دارد. بازگرداندن این بخش از کشور، به ویژه شط‌العرب، در هر زمان دیگری [نامفهوم] احتمالاً سخت‌تر است. من می‌بینم که این بهترین فرصت برای بازگرداندن بخش تحت کنترل ایران در شط‌العرب است. آنچه موردنیاز است محاسبه‌ی احتمالات است، و همان‌طور که جناب‌عالی ذکر کردید محاسبه‌ی بدترین سناریو است. بدترین سناریو این است که ایران ممکن است سطح نظامی‌اش را بالا ببرد، یا واکنشش گسترده باشد. اتحاد جماهیر شوروی ممکن است از مسیر مهمات به ما فشار بیاورد [نامفهوم]. ما باید برای واردات مهمات به دنبال منبع دیگری یعنی کشورهای دیگر جهان باشیم. بپایید به خدا توکل کنیم و طبق زمانی که تعیین کردیم کار را شروع کنیم. اعتقاد من این است که ایران رفتار گسترده‌ای نخواهد داشت. اگر آن‌ها واکنش بزرگی نشان دهند، تا کجا پیش می‌روند و چطور می‌بازند؟»

پیش‌بینی نتیجه‌ی جنگ ×

در ادامه‌ی جلسه صدام از اعضای جلسه می‌پرسد که آیا فکر می‌کنید ایرانی‌ها: «در این شرایط بد نظامی به این فکر می‌افتند که با ما بجنگند؟» یکی از اعضای جلسه می‌گوید: «پس گرفتن زمین حرکت بزرگی است. تصمیم برای برگرداندن شط‌العرب نیز چیزی است که ما را خوشحال می‌کند و بسیار عالی است. این چیزی است که به ما نسبت به ارتش، مردم و فرماندهی اعتماد به نفس می‌دهد. با این حال من چند سوال دارم. شما ارزیابی من را می‌دانید و حتماً آن را در نظر گرفته‌اید. شکی نیست که در حال حاضر، شرایط بین‌المللی به نفع ما است تا زمین را پس بگیریم و عملیات بین‌المللی انجام دهیم. در آینده، اگر وضعیت به درازا بکشد، ممکن است شرایط بین‌المللی به همین شکل باقی نماند. بنابراین، برای حل این مسائل آیا می‌توان کاری انجام داد تا به درازا نکشد؟ زیرا زمان طولانی به این معنی است که منابعمان را خالی خواهیم کرد. بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی قرارداد ترانزیت وجود دارد. ایرانی‌ها به کالاهای شوروی اجازه‌ی عبور از سرزمینشان را می‌دهند و شوروی در مقابل به کالاهای ایرانی اجازه می‌دهد از سرزمین آن‌ها عبور کند. همین‌طور وضعیت گروگان‌ها... اگر هر دو طرف از برخی شروط عقب‌نشینی کنند، ممکن است برایش راه‌حلی بیابند. اگر این مشکلات حل شود، ممکن است هر دو کشور (آمریکا و شوروی) ما و ایران را به طور هم‌زمان خالی کنند. به‌ویژه، شما نمی‌توانید به حاکمان عرب تکیه کنید. مردم، همان‌طور که شما گفتید [نامفهوم].» صدام به او می‌گوید: «اگر نمی‌خواهی احتمالات دشمنی را محاسبه کنی، پس احتمالات دوستی را هم محاسبه نکن.»

«باید بینی آن‌ها را به گل بمالیم تا اراده‌ی سیاسی خود را بر آن‌ها تحمیل کنیم. این کار جز از طریق نظامی قابل انجام نیست.»

صدام در جلسه‌ی ۲۵ شهریور در کاخ ریاست‌جمهوری

صدام در عین رجزخوانی‌ها هنوز هم سعی می‌کند وجهه‌ی برحق بودنش را حفظ کند و در ادامه توضیح می‌دهد: «فرماندهی نباید خالی شدن منابع را بپذیرد. به عبارت دیگر آن‌ها [ایرانی‌ها] نباید بعد از این همه گامی که برداشته‌ایم ساکت بمانند. ایران نباید بدون پاسخ بله یا نه، ساکت بماند. باید سرش را در گل فرو کنیم و بگویم راستش را بگوید. به این ترتیب ما به سرعت این موضوع را حل خواهیم کرد. اگر بدون بله یا نه گفتن [نامفهوم] ادامه دهند و در حالی که ارتش ما در مرز ایران بسیج شده است ما را با توپخانه بمباران کنند، این وضعیت قابل‌پذیرش نیست. وضعیت صحیح این است که باید از نظر سیاسی و نظامی آن‌ها را در موقعیتی قرار دهیم تا پاسخ بله بدهند. یا باید ارتش خود را عقب بکشند و موضوع را تمام‌شده فرض کنند و در این صورت ما می‌توانیم هر کاری که بخواهیم انجام دهیم. نمی‌توانیم تا ابد در مرز بمانیم. این همان چیزی است که ما همه‌جانبه به آن فکر می‌کنیم. آنچه شما گفتید درست است - وضعیت بین‌المللی به نفع ماست. با این حال، چه کسی تضمین می‌کند که وضعیت بین‌المللی برای